

## بیداری اسلامی در شمال آفریقا؛ وضعیت قدیم و جدید<sup>۱</sup>

مرتضی شیرودی<sup>۲</sup>

### چکیده

زمانی که دستفروش تونسی (بوعزیز) مورد ضرب و شتم قرار گرفت و چرخ دستی‌اش توسط پلیس مصادره شد و او به خودسوزی دست زد، کسی فکر نمی‌کرد شراره این اعتراض، آتش در دامن آلوده رژیم‌های فاسد و مستبد عربی بیندازد. این مسئله، سؤالات فراوانی برمی‌انگیزد، از جمله: آیا خودسوزی بوعزیز تنها عامل شعله‌ور شدن قیام‌های مردمی در کشورهای عربی شمال آفریقا است؟ آیا مبارزات تاریخی مردم علیه استعمار و استبداد در گسترش این خیزش اسلامی مؤثر است؟ نقش رهبران گذشته و فعلی اسلام‌گرا در توسعه این قیام‌ها چیست؟ خیزش‌های اسلامی مردم عرب‌زبان چه روندی را طی کرد و چه نتایجی به باور آورد؟ خطرها و آسیب‌هایی که حرکت نوین اسلامی را در شمال آفریقا تهدید می‌کند، چیست؟ این پرسش‌ها، بخشی از سؤالاتی است که در این باره وجود دارد. مقاله حاضر می‌کوشد به بخشی از این پرسش‌ها پاسخ دهد. واژگان کلیدی: بیداری اسلامی، جهان عرب، شمال آفریقا، مصر، تونس، لیبی.

### بیداری اسلامی در مصر

مصر با جمعیتی بیش از ۷۴/۱۰۰/۰۰۰ و مساحتی در حدود ۹۹۵/۴۵ کیلومتر مربع، از لحاظ وسعت، موقعیت جغرافیایی، تاریخی، جمعیت و پیشرفت، مهم‌ترین کشور عربی به‌شمار می‌آید. فرهنگ این کشور، فرهنگ اسلامی است که از زمان‌های قدیم دانشمندان و اندیشمندان بسیاری در معروف‌ترین دانشگاه این کشور (دانشگاه الازهر) فعالیت داشته‌اند. اکثریت قریب به اتفاق مردم مصر، شافعی‌مذهب هستند که نزدیک‌ترین مذهب اهل سنت به شیعه اثنی‌عشری است و همین امر باعث شده تا مردم مصر از یک‌پارچگی مذهبی خوبی برخوردار باشند.

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۵/۱۳؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۲/۲۵.

۲- دکتری علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی.

## الف - تاریخچه روابط ایران و مصر

این دو کشور بزرگ اسلامی هم در سطح دولت‌ها و هم در سطح مردم و اندیشمندان دارای روابط طولانی و قدیمی بودند. در قرن بیستم با توجه به نفوذ و سلطه انگلیسی بر هر دو دولت، حتی پیوند خانوادگی میان خاندان پادشاهی دو کشور ایجاد گردید. فوزیه خواهر فاروق، پادشاه مصر، با محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران یک ازدواج سیاسی<sup>۱</sup> صورت دادند که زیاد هم دوام نداشت و به جدایی انجامید. با این وصف، کودتای ۱۳۳۱ افسران آزاد<sup>۲</sup> در مصر به رهبری جمال عبدالناصر (سقوط رژیم پادشاهی) و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران (تثبیت رژیم سلطنتی) صورت گرفت. این موضوع، روابط دو دولت را به شدت تیره کرد به طوری که به قطع روابط ایران و مصر منجر گردید.

دولت ناصر به دست داشتن در حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در ایران متهم شد و رژیم پهلوی نیز، به خاطر نزدیکی شدید به اسرائیل مورد هجوم دستگاه‌های تبلیغاتی مصر قرار گرفت. این شرایط تا زمان مرگ ناصر در سال ۱۳۴۸ ادامه داشت؛ ولی با روی کار آمدن انور سادات و گرایش بسیار زیاد او به آمریکا، روابط دو دولت بار دیگر بهبود یافت به طوری که شاه ایران اولین منزلگاه خود را بعد از فرار، کشور مصر قرار داد و در نهایت نیز با مرگ شاه در بیمارستان‌های قاهره، در آن کشور به خاک سپرده شد. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ که هم‌زمان با مذاکرات کمپ دیوید<sup>۳</sup> صورت گرفت و به‌ویژه، به امضای پیمان مذکور میان مصر و اسرائیل و خروج مصر از جرگه کشورهای عربی در حال جنگ با رژیم غاصب انجامید، شرایط به‌حدی تغییر کرد که به قطع روابط دو دولت منجر گردید. امضای قرارداد کمپ دیوید، شناسایی اسرائیل و پذیرش پناهندگی محمدرضا پهلوی از طرف دولت مصر و استقبال از شاه در قاهره، خصومت بین تهران و قاهره را افزایش داد. از آن پس مصر تمامی اقدامات خود را به منظور مهار انقلاب اسلامی ایران به‌کار برد. سرکوب گروه‌های اسلام‌گرای متهم به حمایت از سوی جمهوری اسلامی ایران یکی از این اقدامات بود.

هم‌چنین، دولت ایران را به صدور انقلاب خود به جهان عرب متهم و از مخالفان عرب ایران حمایت کرد. هرچند مصر به دلیل عقد قرارداد کمپ دیوید و شناسایی اسرائیل در جهان عرب منزوی

۱- ازدواج سیاسی: پیوندی که بیشتر بر اساس روابط سیاسی صورت می‌گیرد تا عشق، بنابراین دوام زیادی نخواهد داشت؛ مثلاً فوزیه بعد از چند صبحی زندگی مشترک با محمدرضا شاه، از او جدا شد.  
۲- کودتای افسران آزاد: کودتایی که به رهبری جمال عبدالناصر بر اساس ایدئولوژی ناسیونالیستی عربی صورت گرفت.

۳- مذاکرات کمپ دیوید: مذاکراتی است که به پیمان کمپ‌دیوید بین مصر و اسرائیل در زمان انور سادات منجر شد و مایه ننگی برای دولت مصر بود. این پیمان در دهکده‌ای توریستی به نام کمپ‌دیوید با وساطت آمریکا بسته شد.

شده بود اما احساس خطر اعراب نسبت به انقلاب اسلامی ایران و مواضع مصر در قبال سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، بهترین زمینه را برای خروج مصر از انزوا در بین اعراب فراهم کرد. حمایت مصر از عراق در جنگ با ایران نیز به این امر کمک فراوانی نمود (دهقانی فیروزآبادی و هاشمی، ۱۳۷۹، ص ۳۶-۶۵). پس از انقلاب اسلامی ایران، به دلیل تحرک دوباره گروه‌های اسلام‌گرا و مخالف دولت مصر، دولت این کشور ایران را به حمایت از این گروه‌ها متهم نمود و آنها را وابسته به ایران خواند و این مسئله خود موجب تشدید اختلافات دو کشور شد (پیشین، ص ۶۴-۶۵). از آن‌جا که مهم‌ترین وجه انقلاب اسلامی در تأکید بر نقش اسلام در ایجاد حکومت بود، این مسئله باعث شد که جنبش‌های اسلامی برای برقراری حکومت اسلامی در کشورهای خود به تکاپو بیفتند. در مصر نیز که جنبش‌های اسلامی از دیرباز فعالیت داشتند، تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران فعالیت نسبتاً گسترده‌ای را آغاز کردند. از آغاز دهه شصت ش تا موج جدید بیداری اسلامی در مصر، روابط رو به سردی ایران و مصر به سمت گرمی سوق پیدا کرده است، زیرا ملت مصر نسبت به ایران دید بسیار خوبی دارند (موسوی، ۱۳۷۲، ص ۱۸۸).

### ب - بازتاب انقلاب اسلامی بر جامعه مصر

از نشانه‌ها و واقعیت‌های بارز و انکارناپذیر جامعه مصر، استعداد و شایستگی مردم این کشور در هم‌فکری و هم‌بستگی با جنبش‌های اسلامی است. این امر، شاید به دلیل سرشت ملت مصر باشد که به خاطر داشتن پیوند عاطفی شدید با اسلام به سرعت با جنبش‌های اسلامی هم‌صدا و همراه می‌شوند. با توجه به این‌که جامعه مصر از نظر مذهبی از دیگر کشورهای عربی متمایز می‌باشد و با این‌که مذهب آنان شاخه‌ای از مذهب تسنن می‌باشد، احترام خاصی برای خاندان رسول اکرم ﷺ قائل می‌باشند و حتی روحانیون و علمای مصر همواره بر ضرورت اقتدا به حسین بن علی علیه السلام و تأسی از زینب کبری علیها السلام و ابراز انزجار نسبت به ظلم و ستم یزید تأکید می‌کنند. بنابراین ویژگی‌های ملت مصر به شیعیان بسیار نزدیک بوده (عباس خامه‌یار، ۱۳۷۴، ص ۴-۵) و بسیاری از علمای مصر همچون شیخ شلتوت شیعیان را پیرو یکی از مکاتب پنج‌گانه اسلام دانسته و بر وحدت بین مذاهب تأکید کرده‌اند.

انقلاب اسلامی در ایران زمانی رخ داد که در جامعه مصر یک نوع بازگشت به اسلام شکل گرفته بود. می‌توان گفت این بازگشت به دنبال شکست مصر از اسرائیل آغاز شده بود و ملت مصر آماده پذیرش افکار انقلاب اسلامی بود. با وجود مراقبت‌ها و نظارت‌های شدید مأموران دولتی، هر روز در این کشور حادثه جدیدی رخ می‌داد و تحركات طبقات مختلف مردم علیه حکومت افزایش می‌یافت، به‌طوری که در اوایل پیروزی انقلاب در مصر این پرسش مطرح بود که آیا ممکن است آن‌چه که در

ایران به رهبری روحانیت اسلام به وقوع پیوست در مصر نیز رخ دهد. در مجموع، برخورد ملت و جامعه مصر با انقلاب اسلامی ایران برخورد مثبتی بود. هرچند در گوشه و کنار برای تحقیر انقلاب اسلامی از لفظ احیای شعوبیه توسط یک کشور عجم استفاده می‌شد، اما شواهد نشان‌دهنده آن است که اکثریت، انقلاب اسلامی ایران را یک انقلاب اسلامی و نه یک پدیده شیعی می‌دانستند و آن برخوردها برای خنثی کردن تأثیر انقلاب اسلامی ایران از طرف مخالفان انقلاب بوده است (منتظمی، بی تا، ص ۲۴-۴۹).

### ج - انقلاب اسلامی ایران و اخوان المسلمین

اولین واکنش‌ها نسبت به انقلاب اسلامی ایران به وسیله اخوان المسلمین صورت گرفت. این جنبش طی اعلامیه‌ای در سال ۱۳۵۸ انقلاب اسلامی ایران را ستایش نموده و آن را این گونه تأیید کرد: روحی که پشت انقلاب اسلامی ایران بوده شبیه همان روحی بود که مسلمانان اولیه را به اسلام هدایت کرد. هم‌چنین اعلام کردند که در اسلام جدایی بین دین و سیاست وجود ندارد و اسلام دین جامعی است که برای این جهان و جهان دیگر قانون دارد و همه امور زندگی را سامان می‌بخشد (موسوی، پیشین، ص ۸۹). فشارهای وارد شده از طرف دولت مصر موجب گردید که جنبش اخوان المسلمین پس از انقلاب اسلامی ایران به فعالیت‌های زیرزمینی روی آورد. این جنبش ضمن الگو قرار دادن انقلاب اسلامی ایران، تغییراتی در استراتژی‌های خود ایجاد کرده و خواستار ایجاد خیزش‌های مردمی در دانشگاه‌ها و خیابان‌ها شد، اما نقطه ضعف این گروه آن بود که نتوانست توده‌های مردمی را با خود همراه کند و در عمل ناکام ماند (کدیور، بی تا، ص ۱۷۰).

انقلاب اسلامی ایران به حدی توانست بر جنبش اخوان المسلمین تأثیر بگذارد که به محض پیروزی این انقلاب دبیرخانه تشکیلات بین‌المللی اخوان المسلمین مصر به تماس با مسئولان انقلاب اسلامی مبادرت کرد و هیئتی مرکب از نمایندگان جناح‌های مختلف اخوان المسلمین از ایران دیدن کردند و پیروزی انقلاب را به مسئولان و مقامات بلندپایه ایران تبریک گفتند و در مورد راه‌های همکاری، گفت‌وگو و تبادل نظر کردند. در همان سال ۱۳۵۸، ایران رابطی را معرفی کرد و او با نماینده تشکیلات جهانی اخوان المسلمین در لوگانوی سوئیس تماس گرفت و ضمن برنامه‌ریزی برای انجام این سفر و بحث پیرامون روابط با ایران، تصمیمات فوری گرفته شد و در این خصوص طرفین در مسایل ذیل به توافق رسیدند:

الف: تشکیل هیئتی مرکب از نمایندگان اخوان المسلمین برای عزیمت به ایران و تقدیم تهنیت به مناسبت پیروزی انقلاب ایران و سرنگونی رژیم شاه. (این هیئت در سال ۱۳۵۸ از ایران دیدن کرد)؛

ب: صدور جزوهای از سوی اخوان المسلمین برای معرفی انقلاب و نشان دادن دستاوردهای مثبت و انتشار اظهارات و مواضع رهبری انقلاب اسلامی؛

ج: ایجاد روابط سازمان‌یافته با حرکت دانشجویان مسلمان ایرانی از طریق اتحادیه جهانی دانشجویان مسلمان. آنها به ترجمه ادبیات نویسندگان دوطرف به‌ویژه ادبیات اخوان المسلمین از عربی به فارسی و بالعکس پرداختند؛

د: قرار دادن عناصر و فعالیت‌های فرهنگی و مطبوعاتی اخوان المسلمین در اختیار ایران با هدف استفاده از آنها در مراکز مطبوعاتی و ارگان‌های انقلابی این کشور (خامه‌یار، پیشین، ص ۲۵۶-۲۵۷). از طرف دیگر، اخوان المسلمین بیانیه‌های متعددی مبنی بر حمایت و تأیید انقلاب اسلامی ایران منتشر کرد. انقلاب ایران این احساس را در دل این جنبش زنده کرد که پیروزی بسیار نزدیک است و هیچ نیروی سرکوب‌گری قادر نیست در برابر اسلام و رهبری اعتقادات اسلامی مقاومت کند. حتی اخوان المسلمین در برابر استقبال دولت مصر از شاه ایران و خانواده او موضع‌گیری کرده و برای شهدای انقلاب اسلامی مراسم یادبودی برپا کرد و از آنان تجلیل به عمل آورد (پیشین). به‌طور کلی می‌توان گفت در سال‌های اولیه بعد از پیروزی انقلاب، جنبش اخوان المسلمین، انقلاب اسلامی ایران را در چارچوب مبارزه جهانی میان اسلام و کفر قرار داد. هم‌چنین این جنبش در سال ۱۳۵۸ کتابی با عنوان «خمینی آلت‌رناتیو اسلامی» منتشر ساخت و در آن شیوه امام خمینی علیه السلام و جمهوری اسلامی را راه حل اسلامی برای رهایی نظام وابسته دانست (پیشین، ص ۲۵۹).

با گذشت دو سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حمایت‌های اولیه رهبران اخوان المسلمین نسبت به انقلاب ایران کاهش یافت. یکی از علت‌های سردی این روابط را می‌توان در آغاز جنگ ایران و عراق جست‌وجو کرد که باعث شد مسائل فرقه‌ای - مذهبی بر روی دیدگاه‌های آنها اثر گذارد. عده‌ای در درون اخوان المسلمین، انقلاب ایران را انقلاب شیعی عجمی دانستند که خواهان تسلط بر کل جهان اسلام می‌باشد و شروع به انتشار کتاب‌های ضد شیعی و حمله به انقلاب ایران کردند. مطبوعات وابسته به آنها نیز انقلاب ایران را به عنوان یک انقلاب اسلامی زیر سؤال برده و مورد تهاجم قرار داد. یکی دیگر از علت‌های سردی روابط، تغییر فشار کشورهای عربی بر این جنبش بود (پیشین، ص ۲۷۳).

### د- انقلاب اسلامی ایران و جنبش الجهاد

الجهاد یکی از جنبش‌های رادیکال و پرطرف‌دار در مصر بوده که در سال ۱۳۶۰ انور سادات رئیس جمهور مصر توسط یکی از اعضای این گروه به نام سرگرد خالد اسلامبولی ترور شد. عده‌ای بر این عقیده‌اند که بیشترین تأثیر انقلاب اسلامی بر گروه‌های مصری بر جنبش الجهاد بوده است و آنان در

جهت الگو قرار دادن انقلاب ایران تلاش می‌کرده‌اند. این گروه به مبارزات مسلحانه برای رسیدن به اهداف خود معتقد بود و رهبران این جنبش با تحلیل انقلاب ایران و چگونگی پیروزی آن، برای پیروزی در مصر برنامه‌ریزی کرده بودند.

عبود الزمر، یکی از رهبران این جنبش معتقد بود باید مبارزه مسلحانه باشد و دولت نمی‌تواند با اتکا به نیروهای مسلح در مقابل مبارزات مسلحانه و قیام‌های وسیع مردمی مقاومت کند. وی به انقلاب ایران استناد می‌کرد و معتقد بود نیروهای مسلح دولتی کم‌کم به جمع مردم خواهند پیوست و در بین صفوف آنها شکست ایجاد خواهد شد. نیروهای الجهاد شکل پیروزی انقلاب ایران را به‌خوبی بررسی کرده و آثار مبارزان ایرانی را مطالعه می‌کردند، به‌طوری که در زمان دستگیری آنان از جمله وسایلی که توسط نیروهای دولتی ضبط شد خلاصه یادداشت‌هایی از کتاب حکومت اسلامی امام خمینی علیه السلام و خلاصه دست‌نویسی درباره انقلاب ایران و کتاب‌های دکتر شریعتی بود (کدیور، پیشین، ص ۱۶۲-۱۶۳). دولت مصر نیز این وسایل را دست‌آویز قرار داده و دولت ایران را به دخالت در امور داخلی مصر و ایجاد تنش در این کشور متهم نمود.

نشریات و مطبوعات ایران هر روز به انتشار اخبار عملیات گروه‌های مصری می‌پرداختند و عملیات آنان را مورد ستایش و تأیید قرار می‌دادند و حتی نام برخی از شهدای آنان هم از طرف دولت جمهوری اسلامی بر خیابان‌های ایران گذاشته شد. هم‌چنین رهبران و مسئولین انقلاب اسلامی نیز عملیات و اقدامات آن‌ها را تأیید می‌کردند؛ برای مثال، امام خمینی علیه السلام در پیامی در فروردین ۱۳۵۸ خطاب به ملت‌های مصر و ایران خواستار قیام مردم علیه حکومت سادات شدند. در این پیام خطاب به ملت مصر آمده است که باید برای برقراری حکومت اسلامی به‌پا خیزند و سادات را از کشور خود بیرون برانند. این اولین موضع‌گیری رسمی دولت انقلابی ایران بود که در آن به صراحت سرنگونی حکومت سادات خواسته شده بود.

### هـ- انقلاب اسلامی ایران و جنبش ایسار الاسلامی

از دیگر جنبش‌ها و گروه‌های مصری که از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته، ایسار الاسلامی یا چپ اسلامی است. این گروه نیز مانند الجهاد جزء گروه‌های مبارز رادیکال به شمار می‌رود. این گروه علاوه بر ستایش انقلاب اسلامی ایران، روحیه مبارزه‌جویی در مذهب شیعه را نیز مورد ستایش قرار داده و یکی از علت‌های قیام ایران را وجود اندیشه، عقل و اجتهاد در مذهب تشیع می‌دانند که باعث پویایی مذهب در جامعه می‌شود. این گروه بیش از هر چیز شیفته نقش تفکرات شیعه در انقلاب اسلامی ایران بود و در همین راستا تعدادی از کتاب‌های امام خمینی و دکتر شریعتی را به عربی

ترجمه و منتشر کردند و خود نیز دربارهٔ انقلاب ایران کتاب‌هایی را به رشته تحریر درآوردند (برآهویی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۴-۱۹۵).

### و - وضعیت جدید بیداری اسلامی مصر

به قدرت رسیدن حسنی مبارک در مصر در یک روند طبیعی صورت نگرفته است، زیرا او پس از اخذ لیسانس علوم نظامی در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) و دریافت درجه عالی هوانوردی در سال ۱۹۵۰ (۱۳۲۹)، در سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۸) به ریاست ستاد هوایی و در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) به معاونت انورسادات و در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) به نایب‌رئیس‌ی حزب تازه‌تأسیس دموکراتیک دست یافت و در پی ترور سادات در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) پست ریاست‌جمهوری را در اختیار گرفت اما با اعمال نفوذ در انتخابات، تا سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) در مقام ریاست‌جمهوری باقی ماند (هاشمی نسب، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳). متعاقب کهولت سن و افزایش ناتوانایی‌های جسمی، مبارک درصدد برآمد، پسرش جمال مبارک را از میان کاندیداهای احتمالی پست ریاست‌جمهوری مانند: ژنرال عمر سلیمان (رئیس دستگاه‌های اطلاعاتی مصر و معاون رئیس‌جمهور)، محمد البرادعی (رئیس سابق سازمان بین‌المللی اتمی)، عمرو موسی (دبیرکل اتحادیه عرب) و صفوت شریف (دبیرکل حزب حاکم)، به ریاست‌جمهوری برساند اما با افزایش احتمال عدم موفقیت حسنی مبارک، شایعاتی مبنی بر شرکت مجدد مبارک در انتخابات ریاست‌جمهوری مصر منتشر شد، در حالی که با نزدیک شدن به انتخابات، خواست مردم و گروه‌ها به انجام اصلاحات برای رفع فساد و فقر افزایش می‌یافت اما حامیان حسنی مبارک به همراهی حکومت مصر اقدامات خود را برای جلوگیری از پیروزی مخالفان شدت بخشیدند (ابراهیم محمد و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵).

در این شرایط، قیام مردم تونس شهامت و جسارت مصری‌ها را در مخالفت با رژیم مبارک برانگیخت. جالب است که جنبش مردمی مصر با خودسوزی یک نفر در مقابل پارلمان در ۱۷ ژانویه ۲۰۱۱ و متعاقب خودسوزی چهار نفر دیگر و اظهارات ضد دولتی محمد البرادعی در ۲۴ ژانویه با الهام از نمونه آن در جنبش تونس صورت گرفت. از این رو، به دنبال قیام اسلامی مردم تونس، هزاران مصری با راهپیمایی در خیابان‌های قاهره و تجمع و تحصن در میدان التحریر پایتخت به مخالفت با حسنی مبارک (محمدحسین السید مبارک) دست زدند. به اعتقاد سیدهادی خسروشاهی قیام عمومی تونس «انگیزه اصلی در قیام مردم مصر نبود» بلکه تنها یک شوک آگاهی‌بخش بود (خسروشاهی، ۱۳۸۹، ص ۴۲). خیزش جدید مردم مصر به معنای مخالفت آنان با حرکت تدریجی و سیاسی اصلاح‌گرایانه اخوان‌المسلمین هم به شمار می‌رود. اخوانی‌ها هشتاد کرسی مجلس الشعب مصر را در سال ۲۰۰۵ به دست آوردند اما مردم این‌بار خود به میدان آمدند (خوش‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۳۱).

مخالفت‌های ضددولتی در مصر از آن جهت با اهمیت‌تر از تونس تلقی می‌شود که مصر به دلیل هم‌مرزی با رژیم اشغال‌گر قدس، هم‌جواری با کانال سوئز، برخورداری از خط ساحلی با دریای سرخ و مدیترانه و بهره‌مندی از جمعیت بیش از هشتاد میلیونی استراتژیک‌تر از تونس و بیشتر کشورهای عربی و اسلامی دیگر است (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۵).

تجمع گسترده مصری‌ها در ۲۵ ژانویه در میدان التحریر، آغاز قیامی بود که در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ به سقوط حسنی مبارک منجر شد. نحوه برخورد ارتش با معترضان و انطباق سریع آن با تحولات داخلی با هدف پیش‌گیری از افزایش مطالبات مردمی، نقش مهمی در پیروزی اولیه معترضان و البته عدم تغییر بنیادی ساختارهای مصر، ایفا کرد (دلورپور اقدم، ۱۳۹۰، ص ۹).

### بیداری اسلامی در تونس

کشور تونس با مساحت ۱۶۳/۶۱۰ کیلومتر مربع و با جمعیتی بیش از ۹۰۹۷۴/۷۲۲ از شمال و شرق با دریای مدیترانه، از غرب با الجزایر و از جنوب شرقی با لیبی همسایه می‌باشد و در موقعیت سوق الجیشی و ژئوپلتیک مهمی واقع شده است. به‌طور کلی شمال آفریقا به لحاظ موقعیت جغرافیایی آن، از دیرزمان مورد طمع قدرت‌های وقت اروپایی بوده است. راه دریایی مدیترانه باعث شد که قدرت‌های استعماری سعی کنند برای استحکام سلطه خویش بر این منطقه، از جمله کشور تونس بر یک‌دیگر سبقت بگیرند، از این رو بیشترین اهمیت ژئوپلتیک تونس به موقعیت آن در جنوب دریای مدیترانه برمی‌گردد. از میان ده میلیون جمعیت تونس، ۹۸٪ آنها مسلمان مالکی هستند.

### الف - تاریخچه روابط ایران و تونس

روابط دو کشور ایران و تونس از لحاظ فرهنگی به قرون اولیه اسلام بازمی‌گردد. بسیاری از فقها و دانشمندان ایرانی در زمان خلافت فاطمیون<sup>۱</sup> به تونس مهاجرت کرده بودند و تنها در دوران تسلط عثمانی بر تونس و به علت اختلافاتی که بین ایران و امپراطور عثمانی وجود داشت، این ارتباطها به حداقل تنزل پیدا کرد. پس از استقلال تونس، سیاست‌های دو کشور ایران و تونس بر اساس ناسیونالیسم و ملی‌گرایی به صورت یک ایدئولوژی شکل گرفته بود. این احساسات ملی‌گرایانه به‌ویژه در جهان عرب که تحت تسلط استعمار بود شدت و قوت بیشتری داشت؛ به‌گونه‌ای که به تکوین تفکری با عنوان ناسیونالیسم عربی<sup>۲</sup> انجامید. هم‌زمان در ایران نیز در سایه سیاست‌های ضد اسلامی

۱- فاطمیون: گروهی از شیعیان که در گذشته‌ای دور بر شمال آفریقا حکمرانی می‌کردند.

۲- ناسیونالیسم عربی: حس ملی‌گرایی که در جهان عرب وجود دارد.



رژیم گذشته، به‌ویژه طرح ناسیونالیسم مثبت ایرانی<sup>۱</sup>، اندیشه ملی‌گرایی گسترش یافت. در سال ۱۳۳۶، روابط ایران و تونس برقرار گردید و در سطح مطلوبی پیش رفت تا جایی که بورقیبه به ایران و شاه ایران به تونس سفر کرد و ایران جزء اولین کشورهایی بود که استقلال تونس را به رسمیت شناخت. روند توسعه روابط دو کشور در محدوده ممکن، یعنی وابستگی ایران به قطب آمریکایی و وابستگی تونس به قطب فرانسوی جهان غرب، تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران ادامه داشت.

مردم تونس از پیروزی مردم مسلمان ایران استقبال کردند و پیام انقلاب را که آزادی، استقلال و دفاع از حقوق بشریت و نیز وحدت و یک‌پارچگی جهان اسلام بود، مورد توجه قرار دادند، ولی رسانه‌های صهیونیستی و بین‌المللی و قدرت‌هایی که منافع آنان به خطر افتاده بود، پیام انقلاب را تهدیدی حتی برای دوستان ایران (قادری، ۱۳۸۰، ص ۱۹۴) القا کردند. این ظن و سوءتفاهم مانع توسعه و گسترش روابط و در مواردی حتی به قطع روابط منجر شد. در این دوره روابط ایران و تونس دارای چنین وضعیتی بود به‌طوری که در سال ۱۹۸۲ دولت تونس به بهانه صرفه‌جویی در امور مالی و مخالفت این کشور با جنگ تحمیلی، نمایندگی خود را در تهران تعطیل کرد. ایران نیز سطح نمایندگی خود را در عمل، به سطح کاردار تنزل داد. به موازات این جریان، موضع‌گیری‌های صریح مقامات عالی‌رتبه تونس در مورد جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص در چارچوب جنگ تحمیلی، علنی گردید و آنها آشکارا از موضع عراق حمایت کرده و در مجامع بین‌المللی - به‌خصوص در مورد مسائل مربوط به حقوق بشر - به ضرر ایران رأی دادند.

فرار «محمد فرالی» نخست‌وزیر اسبق تونس در سال ۱۳۶۳ و متعاقب آن جای‌گزینی «هادی بروک» به‌جای «فائد اسبسی» وزیر خارج سابق تونس، نقطه عطفی در خصوص نزول بیشتر روابط دو کشور و اتخاذ مواضع منفی از طرف تونس علیه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردید که در نهایت در تاریخ ۱۳۶۶/۱/۶ کاردار وقت ایران در تونس به وزارت خارجه احضار و به وی اطلاع داده می‌شود که باید به همراه کلیه کارکنان ایرانی، سفارت ایران در تونس را ترک نمایند. به این ترتیب روابط دو جانبه به‌طور کامل قطع شد و بعد از سه سال قطع روابط بین طرفین، در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۲ با صدور بیانیه مشترک، روابط دو کشور بار دیگر از سر گرفته شد.

باید به این نکته توجه کرد که نوع رابطه کشورهای آفریقایی با حکومت اسرائیل به یقین، در نوع رابطه جمهوری اسلامی ایران با این کشورها مؤثر بود. جمهوری اسلامی ایران در کنار توجه به

۱- ناسیونالیسم مثبت ایرانی: ناسیونالیسم ایرانی از آن جهت مثبت است که اسلام را بالاتر از حس ملی‌گرایی می‌داند ولی ناسیونالیسم عربی منفی است، زیرا بر اساس تعصب خشک عربی شکل گرفته است.

مسائل گوناگون در آفریقا، مردم این قاره را از مضرات گسترش نفوذ اسرائیل در آفریقا آگاه ساخته است. در سال‌های اخیر نیز به‌رغم آغاز مذاکرات به‌اصطلاح صلح بین اعراب و اسرائیل و خروج حکومت صهیونیستی از انزوا، هنوز جمهوری اسلامی ایران یکی از محورهای توسعه رابطه با کشورهای آفریقایی را نوع روابط این کشورها با اسرائیل می‌داند.

هم‌چنین دولت تونس در پنجمین اجلاس شورای ریاستی اتحادیه مغرب عربی که در سال ۱۳۷۱ در موریتانی تشکیل شد پشتیبانی خود را از تمامیت ارضی عراق و کویت اعلام نمود و از رنج مردم عراق بر اثر تحریم‌ها ابراز نگرانی و از ادعاهای امارات متحده عربی بر جزایر سه‌گانه (تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی) متعلق به جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرد، که تمامی این موارد در سردی روابط بین دو کشور مؤثر بوده است (حاجی، ۱۳۷۳، ص ۳۱۸-۲۱۹).

### ب - انقلاب اسلامی ایران و نهضت اسلامی تونس (النهضة)

نهضت اسلامی تونس پس از گذشت پانزده سال از استقلال این کشور شکل گرفت. در خلال این پانزده سال، طرفداران غرب نهادهای اسلامی جامعه را تضعیف کرده و بعضی از آنها را از بین بردند؛ برای مثال، محاکم شرعی و اوقاف را تعطیل کردند و جوانان تونس را از تحصیل در دانشگاه «الزیتونی» - از مراکز بسیار مهم که بسیاری از متفکران اسلامی شمال آفریقا، به‌ویژه کشورهای الجزایر، مراکش و تونس از آن فارغ‌التحصیل شده‌اند - بازداشتند و بر اختلافات خانوادگی و عشیره‌ای دامن زدند (هفته‌نامه بعثت، ۱۳۷۳، ص ۲۰).

دولت تونس ظهور جنبش‌های اسلامی در شمال آفریقا را بخشی از توطئه اسلام‌گرایان انقلابی در ایران و سودان می‌دانست؛ از این رو سخت به مقابله با این جنبش‌ها پرداخته و مواضع خصمانه‌ای در قبال اسلام‌گرایان انقلابی در پیش گرفتند. در این خصوص دولت تونس به‌رغم نارضایتی رو به رشد در مورد وضعیت حقوق بشر، از حمایت کامل اروپایی‌ها برخوردار بود، زیرا به علت سابقه استعماری اروپایی‌ها، کشورهای منطقه وابستگی سنتی خاصی به آنها، به‌خصوص کشورهای جنوب این قاره داشته و ساختار آنها هم‌چنان در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از این وابستگی متأثر است. از طرفی، تأثیر متقابل کشورهای دو سوی مدیترانه بر یک‌دیگر، مسئله‌ای غیرقابل انکار بوده و کشورهای منطقه از دید اروپایی‌ها عمق استراتژیک آنها تلقی می‌شود که سهم عمده‌ای در شکوفایی و تداوم پویایی اقتصادی جنوب اروپا ایفا می‌کند.

پیروزی انقلاب اسلامی با محوریت مکتب اسلام به عنوان ایدئولوژی انقلاب اسلامی و ارائه‌کننده راهی جدید در دوران سرخوردگی بشر از مکاتب مادی غرب و شرق شگفتی‌آفرین بود. در قرنی که هیچ‌گاه حکومت اسلامی جز به صورت تئوریک آن هم به صورت محدود و مشروط به شرایط متعدد،

در میان اندیشمندان و مصلحان اسلامی تصور نمی‌شد، انقلاب اسلامی به وقوع پیوست و حرکت جدی برای پیاده کردن احکام الهی در جامعه مهیا شد. طرح اندیشه ولایت فقیه از سوی امام خمینی به صورت نظری و عملی و منطبق بر اصول اسلامی و نیازهای جامعه اسلامی برخی از متفکران اهل سنت را نیز به تحسین واداشته است؛ از جمله راشد الغنوشی متکفر برجسته و انقلابی تونس و رهبر جنبش نهاد یا رنسانس اسلامی می‌گوید:

«نقش امام خمینی در ایجاد حکومت اسلامی ایران به راستی فوق‌العاده عظیم بود. او توانست با زبان توده‌ها با ایرانیان سخن گوید و در نتیجه به بهترین وجه ممکن آنان را علیه دشمن داخلی و خارجی بسیج نماید. مردم شیعه در طی تاریخ پیوسته از علمای خود پیروی و اطاعت کرده‌اند. امام خمینی علیه السلام و خط مشی او توانسته است پس از قرن‌ها، شیعه را به جایگاه خود در تاریخ اسلام بازگرداند. او توانست این کارها را با زنده کردن فلسفه غیبت امام در قالب «ولایت فقیه» به انجام برساند... حضرت امام خمینی علیه السلام نمایانگر تحولی مهم در سطح بین‌المللی و منطقه بود» (مرتضایی، بی‌تا، ص ۷۶). او همچنین در پاسخ به این سؤال که انقلاب اسلامی چه چیزی به تجارب حرکت اسلامی تونس افزوده است، می‌گوید:

«در تاریخ معاصر اسلام، این نخستین بار است که جنبش اسلامی قدرت آن را پیدا کرده است که انقلابی را شکل داده و توسط شیوه‌ای مردمی پیاده کند؛ در نتیجه، می‌توان گفت که با حرکت اسلامی مردم ایران، اسلام توانسته است هم از جانب تئوریک (نظری) و هم از بعد عملی مصداق پیدا کند. ابعاد اجتماعی اسلام در تمامی مراحل انقلاب اسلامی ایران جلوه می‌کند و در همان زمان ایرانی‌ها به شدت در مقابل متجاوزین و استکبار جهانی که محاصره اقتصادی را به عنوان ابزاری در جهت تضعیف انقلاب به دست گرفته‌اند، مقاومت کرده و رنج کمبودها را به جان می‌خرند. در نتیجه، می‌توان گفت که در میان جنبش‌های اسلامی، انقلاب سیاسی اجتماعی ایران از لحاظ مقاومت در مقابل تجاوز خارجی و همچنین در برخی از ابعاد اجتماعی، چون بعد مذهبی، موقعیتی چشمگیر و درخشان دارد. با تأکید بسیار بر روی مسئله ایمان در واقع مسلمانانی را تربیت می‌کند که از درد بشریت به‌طور اعم در رنج‌اند. شاید این مسئله چندان تعجبی برنیا نگیزد که در میان افراد برجسته مذهبی نیز این عقاید رواج دارد که در مقایسه بین آمریکا و شوروی، بهتر است که آمریکا را انتخاب کنیم چرا که آمریکایی‌ها حداقل کتاب آسمانی دارند در حالی که روس‌ها به هیچ چیز اعتقاد ندارند. در انقلاب اسلامی ایران کسی اهمیتی به روابط اجتماعی فوق با کلیسا یا غیر آن نمی‌دهد. آنان بر این اعتقادند که آمریکا و روسیه (چه با خدا چه بی‌خدا) جهان را از نظر تجاوز و ظلم بین خود تقسیم کرده‌اند و ماهیتاً با یک‌دیگر فرق ندارند. شعار قرآنی در اولین متون «سلفی» محمد بن عبدالوهاب چنین است: «به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید».

اخوانی‌ها در زمان سید قطب می‌گفتند: «آنان که به خدا ایمان نیاورده‌اند گمراهانند.» اما مهم‌ترین شعار ایرانیان در انقلاب اسلامی این است: به درستی که وعده داده‌ایم مستضعفین را وارث زمین گردانیم. این شعار قرآنی به مبارزات اسلامی ابعاد جدید می‌بخشد» (غنوشی، ۱۳۶۹، ص ۴۷). می‌توان رگه‌های ظریف از طرز نگاه اسلام‌گرایان انقلابی آفریقا درباره انقلاب اسلامی ایران به دست داد که شاید نگاه‌های از درون به انقلاب و توسط ایرانیان نتواند به چنین نکاتی برسد. به این ترتیب، پیروزی انقلاب و تشکیل یک قدرت سیاسی دینی در ایران و وجود یک شخصیت روحانی در رأس آن را می‌توان عاملی برای تأثیرگذاری بر نهضت اسلامی در تونس دانست.

یکی از مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی این است که مردم هر چه بیشتر به نقش وحدت‌آفرین و هویت‌ساز اسلام توجه می‌کنند. انقلاب اسلامی سبب شد که اسلام به عنوان یک دین، احساس قرابت و هم‌بستگی قابل‌توجهی بین مسلمانان ایجاد نماید. این امر نشان می‌دهد که به‌رغم تفاوت و قرائت‌های مختلفی که از اسلام وجود دارد، به هر حال اشتراک‌های کلی اسلامی می‌تواند مسلمین را در عین کثرت به وحدت برساند و بر سر مسائلی که در مورد جهان اسلام وجود دارد خود را مسئول احساس کند. در همین راستا در تونس شاهد تظاهرات‌هایی به عنوان اعتراض به حضور نیروهای آمریکایی علیه امت اسلامی و بی‌احترامی به سرزمین مقدس حرمین هنگام بحران خلیج فارس بودیم که حتی به دستگیر شدن بسیاری توسط مقامات حکومتی منجر شد.

یکی از موارد مهم در این راستا، مسئله فلسطین و رژیم صهیونیستی است. انقلاب اسلامی ملت‌های جهان را در برابر توطئه‌های صهیونیسم بیدار و نقش مهمی در رویارویی با توطئه‌های صهیونیسم جهانی ایفا کرد. اعتماد مسلمانان را به دینشان بازگرداند و آنها را با یک‌دیگر آشنا کرده و به آنها هویت اسلامی داد. به دنبال این امر، نهضت اسلامی تونس همواره سرزمین فلسطین را حق مسلم امت اسلامی اعلام نموده و چشم‌پوشی از آن را غیرممکن می‌شمارد و خواستار آزادی این سرزمین از یوغ اشغالگران صهیونیسم است. این نهضت با نكوهش قرارداد سازش اعراب و اسرائیل مخالفت خود را با هر گونه پیمان ناعادلانه با رژیم اشغال‌گر قدس اعلام کرد (هفته‌نامه بعثت، ۱۳۷۳). در این راستا نهضت اسلامی تونس به شدت فعالیت‌های صهیونیست‌ها را محکوم نمود به طوری که راشد الغنوشی رهبر «نهدا» به‌طور مکرر تأکید می‌کند: دشمنی غرب با اسلام به علت فعالیت‌های صهیونیست‌ها است که به منظور استمرار کمک و حمایت غرب می‌کوشد غرب را متقاعد کند که به دنبال فروپاشی کمونیسم و درماندگی ناسیونالیسم عرب، این اسلام است که به صورت یک نیروی جدید، ظهور یافته است.

## ج - وضعیت جدید بیداری اسلامی تونس

تونسی‌ها همواره در حرکت‌های انقلابی سهمی داشته‌اند. از این‌رو، در هر پنجاه تا صد سال از تاریخ ۲۷۰۰ ساله آن کشور، یک حرکت ضد استبدادی ثبت است. جدال دائمی آنان با امپراطوری روم، دولت عثمانی و استعمار فرانسه، در تاریخ درج است. حاصل تلاش‌های انقلابی مردم تونس، دستیابی به استقلال در سال ۱۹۵۶ (۱۳۳۵) است، اما به سرعت انقلاب مردم تونس توسط حبیب بورقبیه به بیراهه رفت؛ از این رو مردم در قیام پرکشته سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) معروف به پنج‌شنبه سیاه کوشیدند حکومت سکولاریستی و استبدادی وابسته به غرب را براندازند ولی نبود رهبری و هدف واحد قیام را ناکام گذاشت.

در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) اسلام‌گریان به رهبری راشد الغنوشی قیام کردند و نزدیک بود رژیم بن علی را سرنگون نمایند اما با دخالت آمریکا، قیام با شکست روبه‌رو شد ولی نارضایتی مردم از حکومت پلیسی بن علی پایان نپذیرفت. دکتر حامدی تونسلی در این باره گفته است: «رژیم خیلی مستحکم بود به طوری که کوچک‌ترین رفتار اشخاص از دیدگاه حکومت پنهان نمی‌ماند. بر اساس آمارهای موجود، افرادی که به‌طور رسمی یا غیررسمی با وزارت کشور در ارتباط بودند و با حکومت همکاری می‌کردند، قریب سه تا پنج کشور را تشکیل می‌دادند» (فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای، ۱۳۸۹، ص ۱۷۷). در واقع، بن علی نه تنها به ریشه‌کن کردن حرکت‌های اسلامی و تبعید رهبران اکتفا نکرد بلکه تمام تلاش خود را به کار بست تا هرگونه رفتار و نشان اسلامی را از سطح جامعه بزدايد که اجرای ممنوعیت حجاب و جلوگیری از ورود افراد کمتر از چهل سال به مساجد از مهم‌ترین نمودهای آن است (صدرالحسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۱).

اختناق موجود، افزایش قیمت مواد غذایی و سوخت، بیکاری، بحران‌های اقتصادی و... (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰، ص ۱۰) محمد عبدالبوعزیزی ساکن شهر سیدی بوزید را وامی‌دارد تا در بازار شهر و برای جلب توجه مردم به استبداد به خودسوزی دست بزند. شهر بوزید به دلیل برخورداری از چند آرامگاه از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام یک شهر مذهبی است و اهالی آن ارتباط نزدیکی با اهل بیت دارند. دو سال پیش از این، در معادن فسفات نزدیک به این شهر، شورش علیه بیکاری و تبعیض صورت گرفت. به هر روی، مردم این شهر و دیگر شهرها به تأثیرپذیری از اقدام عزیزی علیه حکومت به حرکت درآمدند و در کمتر از ده روز دامنه قیام به پایتخت رسید. فرمانده ارتش از مقابله با مردم استنکاف کرد و از مقام خود استعفا نمود و این موضوع، در افزایش روحیه انقلابی مردم تأثیر گذاشت. در واقع، تونسلی‌ها با اتکا به تجربه‌های انقلابی خود و طی ۲۸ روز خروش و جهاد، یکی از دیکتاتورترین و باثبات‌ترین رؤسای جمهور جهان (بن علی) را ساقط کردند.

نباید فراموش کرد که سابقه تمدنی تونس، ریشه‌داری بسیاری از مذاهب اسلامی در آن، تعلق داشتن اندیشمندان بزرگی مانند آگوستین قدیس متکلم بزرگ کاتولیک به این کشور، سطح بالاتر سواد و علم تونس‌ها نسبت به سایر اعراب، از دیگر دلایل قیام‌های تاریخی مردم تونس است (مجاهدیان، ۱۳۸۹، ص ۲۲).

### بیداری اسلامی در لیبی

لیبی با نام رسمی جماهیر عربی سوسیالیستی خلق بزرگ لیبی، کشوری عربی در آفریقای شمالی است. کشور لیبی یکی از ده کشور اصلی صادرکننده نفت در جهان است و تولید ناخالص ملی سرانه آن جزء بالاترین‌ها در آفریقا است. لیبی به صورت «پادشاهی لیبی» در سال ۱۳۳۰ش به استقلال رسید و در سال ۱۳۰۷ معمر قذافی با انجام یک کودتای نظامی بر سر کار آمد. در ماه ژانویه ۲۰۱۱ اعتراضات گسترده‌ای در لیبی علیه حکومت معمر قذافی آغاز شد و به مرور بخش‌های مختلفی از این کشور از کنترل نیروهای حکومت خارج گردید.

اعتراضات و شورش سراسری در لیبی با راهپیمایی‌های خیابانی علیه حکومت لیبی و رهبر آن، معمر قذافی، آغاز شد و به شورش و جنگ‌های شهری و بین‌شهری منجر گردید. اعتراضات از ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی، در این کشور آغاز شد و از روز ۱۷ فوریه ۲۰۱۱ شکل گسترده‌تری به خود گرفت و به تدریج به شورش سراسری تبدیل شد که با برخوردهای خونین و خشونت‌آمیز حاکمیت با مردم معترض روبه‌رو گردید و همه شهرهای لیبی را در بر گرفت.

### الف - تاریخچه روابط ایران و لیبی

روابط سیاسی بین ایران و لیبی برای اولین بار در تاریخ ۱۳۴۶/۱۰/۹ در زمان رژیم گذشته در سطح سفارت برقرار گردید. در سال ۱۳۴۷ سفیر ایران در تونس به عنوان سفیر اکرديته در طرابلس تعیین شد و روابط دو کشور حتی پس از روی کار آمدن معمر قذافی نیز هم‌چنان ادامه یافت و در اواخر سال ۱۳۴۸ سفیر اکرديته ایران با مقامات دولت جدید لیبی ملاقات و مذاکره نمود، ولی هیچ‌گونه پیشرفتی در مناسبات دو کشور حاصل نگردید و از حد تشریفات و تعارفات دیپلماتیک فراتر نرفت، تا این‌که در سال ۱۳۵۰ به دنبال بازگشت جزایر سه‌گانه ایرانی در جنوب توسط حکومت وقت، مخالفت‌هایی از سوی دولت لیبی ابراز شد و روابط دو کشور کم‌کم رو به سردی نهاد. با به رسمیت شناخته شدن حق تاریخی ایران بر جزایر مزبور در تاریخ ۱۳۵۰/۹/۹، دولت لیبی به اتفاق الجزایر، یمن جنوبی و عراق علیه ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت نمودند که با توجه به حمایت کشورهای غربی از ایران، این شکایت به جایی نرسید و مختومه اعلام گردید.

از دی‌ماه سال ۱۳۵۱ دولت لیبی به‌طور علنی به مخالفت با رژیم شاه و حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب در جنوب پرداخت و با اوج گرفتن مبارزات انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ مقامات لیبی به‌ویژه سرهنگ قذافی رهبری این کشور از مبارزات و مجاهدت‌های ملت مسلمان ایران علیه نظام طاغوت پشتیبانی نمودند. بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دولت لیبی هیئت‌هایی را برای تبریک و حمایت از آرمان‌های انقلاب و مذاکره دربارهٔ برقراری روابط دوجانبهٔ سیاسی به ایران گسیل داشتند و تا امضای نخستین یادداشت تفاهم کمیسیون مشترک، سفرها و دیدارهای متعددی بین دو کشور صورت گرفت. لازم به ذکر است که از سال ۱۳۶۰ به این سو روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور به شکل مستمر رو به گسترش بوده و مقامات دو کشور دیدارهای متقابل از لیبی و جمهوری اسلامی ایران داشته و قراردادهایی نیز در قالب اجلاس‌های کمیسیون امضا گردیده است.

### ب - تحولات اخیر لیبی

اوایل مارس، تظاهرات گسترده مردم علیه حکومت قذافی به سرعت به قیامی فراگیر در تمام لیبی و به‌خصوص در شرق آن تبدیل شد و شهر بن قاضی پایگاه اصلی مخالفان قذافی نام گرفت. در اواسط ماه مارس دولت قذافی حمله علیه مخالفان را در غرب کشور آغاز کرد. جنگ لیبی بر اساس سنت رؤسای جمهور آمریکا پس از فروپاشی شوروی، مسئله دور از انتظاری نبود؛ چنانچه تمام رؤسای جمهور دو دهه گذشته ایالات متحده در دوره نخست ریاست‌جمهوری‌شان جنگ‌هایی را در آن سوی اقیانوس‌ها هدایت کرده‌اند که نبرد لیبی را نیز می‌توان در همین ردیف قرار داد. بوش پدر جنگ نخست خاورمیانه را موسوم به «روباہ صحرا» هدایت کرد و پس از آن بیل کلینتون در بالکان و علیه صرب‌ها وارد عمل شد. دوران بوش پسر نیز با دو جنگ عراق و افغانستان ادامه یافت تا این‌که باراک اوباما، نخستین رئیس‌جمهور سیاه‌پوست و چهل و چهارمین ساکن کاخ سفید در حالی که با کاهش شدید محبوبیت روبه‌رو شده بود، وارد ساحل جنوبی مدیترانه شد و با جنگنده‌های خود، در این خط مرزی به بمباران مواضع کلنل قذافی پرداخت.

اما این‌بار دستگاه حاکمیت آمریکا تلاش می‌کند چهره خود را به عنوان یک مداخله‌گر درجه اول به فرانسه واگذار کند؛ سخنان «رابرت گیتس» در کنگره آمریکا بر همین اساس قابل تفسیر است. گیتس در میان نمایندگان کنگره اعلام کرد: «جنگ لیبی به فرماندهی فرانسه انجام می‌شود و انتقال تجهیزات به نیروهای مخالف قذافی را پاریس هدایت می‌کند».

داستان قذافی هم‌چون داستان «بن‌لادن» ادامه یافت؛ آمریکا حتی از این‌که قذافی سرنوشتی مانند «صدام حسین» دیکتاتور عراق داشته باشد، ناراحت نبود و این سناریو نیز برای آنها خوشایند بود، اما با فرسایشی شدن نبرد در لیبی چالشی که اوباما با آن رو به روست عمیق‌تر شد. اوباما باید در

کارنامه چهارساله خود در مقایسه با دوران سیاه بوش چیزی برای ارائه و دفاع داشته باشد. در این میان، سردی روابط با بریتانیا، حل نشدن بحران‌های عمیق با روسیه و ناتوانی در حل مسئله اعراب و اسرائیل، عراق و افغانستان، در کنار آتش‌بازی جدید اوپاما در لیبی از دولتی بی‌برنامه، همراه با تصمیمات عجولانه نشان دارد که رأی‌دهندگان را مأیوس خواهد کرد.

### ج - مروری دیگر بر وضعیت جدید

به بیان دیگر، اعتراض مردمی علیه معمر قذافی در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱، یعنی سه روز پس از اعتراضات در مصر و به تاسی از آن آغاز شد اما اوایل مارس، تظاهرات گسترده مردم علیه حکومت قذافی به سرعت به قیامی فراگیر در تمام لیبی و به‌خصوص در شرق آن تبدیل شد و شهر بنغازی پایگاه اصلی مخالفان نام گرفت. در اواسط ماه مارس، دولت قذافی با قدرت هرچه تمام به سرکوب مخالفان در تریپولی دست زد و حمله برضد مخالفان در غرب کشور را آغاز نمود (احمدی لفورکی، ۱۳۹۰، ص ۱۲-۱۳). شدت سرکوب‌ها توسط ارتش به جنگ داخلی منجر شد البته با استخدام مزدور از چاد.

فتری تریپل رهبر مخالفان در بندر بنغازی بود. کانون درگیری‌ها بندر بنغازی دومین شهر بزرگ لیبی پس از طرابلس بود. شهرهای اجدايا، مصراته، سرت، البیدا از دیگر کانون‌های درگیری بود. در واقع در انقلاب لیبی، جریان‌های سیاسی مخالف، توده‌های مردمی، عناصر مخالف در حاکمیت و نیروهای خارجی مؤثر بودند. پایان دادن به حکومت چهل‌ساله قذافی که از سال ۱۹۶۹ با کودتای نظامی آغاز شده بود، مهم‌ترین خواسته مردم بود. به‌علاوه، مشارکت سیاسی و بازگرداندن هویت از دست رفته از دیگر خواسته‌های مردمی بود.

لیبی دارای منابع غنی نفتی است و نیز مجاورت و همسایگی‌اش با اروپا بر اهمیت این کشور افزوده است. احتمال به‌کارگیری موشک‌های اسکاد یا تسلیحات شیمیایی قذافی علیه اروپا و افزایش احتمالی قیمت نفت با ادامه بحران و یا تغییر حکومت در لیبی، غربی‌های را به دخالت در لیبی واداشت (دلورپور اقدم، ۱۳۹۰، ص ۱۰). تصویب قطع‌نامه ۱۹۷۳ به منظور اقدام‌های ضروری برای حفظ جان شهروندان لیبی از پیامدهای جنبش اخیر لیبی بود که در پی آن، ناتو رهبری عملیات نظامی علیه دولت قذافی را به دست گرفت. پیشروی انقلابیون از شرق لیبی و سرانجام استعفای برخی از وزرای دولت و تعدادی از سفرا از پیامدها اولیه حرکت مردمی لیبی به شمار می‌رفت (پیشین). نادیده گرفتن اعتقادات مذهبی مردم، میل آنان به مردم‌سالاری و رفاه اقتصادی، اقتدارگرایی و زورگویی، فقدان عدالت اجتماعی، نبود ساختارهای مشارکتی، فساد سیاسی و اقتصادی و ... از عوامل خیزش جدید مردم لیبی بود (ایمانی، ۱۳۹۰، ص ۳۱-۳۲).



## نتیجه

مدل ترکیه و ایران، بیش از هر مدل دیگر حکومتی، پیش روی مردم کشورهای عربی است. این نگاه از یک سو از آن روی که مسلمانان انقلابی به غرب توجه ندارند، نویددهنده است، ولی از آن رو که مدل اسلام سنی و شبه لائیک ترکیه برگزیده شود، هراس انگیز است (نوروزی، ۱۳۹۰، ص ۱۶)، زیرا غرب در مقایسه بین مدل ترکی و مدل ایرانی، به اولی تمایل دارد و نیز ترکیه پان ترکیسم را تا دستیابی به یک امپراطوری همانند عثمانی دنبال می کند (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴-۱۱۵). تأثیر انقلاب اسلامی به دلیل وجه فرهنگی، بیش از ترکیه است. وجه فرهنگی یا رویکرد دینی و معنوی، هویت بخشی اسلامی و هم گرایی کشورهای عربی را در سطح درون سرزمینی و منطقه ای پمپاژ می کند، در حالی که مدل ترکیه دنیا محورانه و مادی گرایانه و غرب مدار است، از این رو، انقلاب اسلامی پایگاه اصلی حرکت اسلامی نوین است. به موازات افزایش جاذبه های ایدئولوژیکی، انقلاب اسلامی طرفدارانی بسیار در میان ملت های اسلامی و دیگر ملت های ستم دیده یافته است. جاذبه های انقلاب اسلامی بسیار است که حمایت از ملت های محروم، تأکید بر وحدت گرایی، احیای هویت و تفکر اسلامی، طرح لزوم تغییر رژیم های سیاسی وابسته، تأکید بر نقش مردم مسلمان، و ضرورت تحول در نظام بین المللی، از آن جمله است (حقی، ۱۳۹۰، ص ۲۸-۳۳).

با تأثیر پذیری از انقلاب اسلامی، خاورمیانه جدید در حال شکل گیری است. در این خاورمیانه رژیم غاصب قدس به شدت در خطر قرار می گیرد، زیرا:

۱ - بیشتر رهبران عرب حامی خویش را از دست داده اند، به ویژه حسنی مبارک به عنوان مهم ترین آنها؛

۲ - وقوع بحران در روابط مصر و اسرائیل و قوت گرفتن احتمال لغو قرارداد کمپ دیوید؛

۳ - احتمال رشد بیشتر روحیه مبارزه جویی در جوانان فلسطینی؛

۴ - جنگ هم زمان در چند جبهه (نشریه خبری تحلیلی و فرهنگی روابط عمومی، ۱۳۹۰، ص ۴۷).

از این رو شیمون پرز در تحلیل تحولات کشورهای عربی تمامی گزینه های پیش روی اسرائیل را خطرناک و پرهزینه دانست و ژنرال امیراشل معاون برنامه ریزی ارتش صهیونیستی وضعیت راهبردی اسرائیل در آینده منطقه را دشوارتر برآورد کرد (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷).

البته فشارهای بی حاصل و یا کم حاصل برای انزوای ایران از سوی غرب صورت خواهد گرفت، از این رو، دانی ایالون معاون وزیر خارجه صهیونیستی اظهار می نماید: «باید فرصت طلایی ایران در

تحولات منطقه را تلخ کرد» (پیشین، ص ۱۱۸). در نقطه مقابل، برخی با پیشنهاد دادن امتیاز به ایران، مانند پذیرش یک سقف حداقلی از غنی‌سازی در ایران و یا برچیدن و یا کاهش تحریم‌های ایران، درصد کنترل ایران و کاهش ارتقای موقعیت کشور ما بر خیزش‌های اسلامی برآمدند. علت همه این بذل و بخشش‌ها جلوگیری از افزایش قدرت ایران است. خانم لورث عضو سابق شورای امنیت ملی آمریکا معتقد است: «نفوذ ایران واقعاً در حال افزایش است». آقای لوکانین کارشناس روسی مسائل خاورمیانه گفته است: «از حالا معلوم است چه کسی از بحران عربی سود می‌برد». (صدرالحسینی، پیشین، ص ۱۵۴-۱۵۶).

### منابع و مأخذ

۱. احمدی لفورکی، بهزاد، «تنگناهای ناتو در عملیات لیبی»، دوهفته‌نامه پگاه حوزه، شماره ۳۰۴، ۲۱ خرداد ۱۳۹۰.
۲. ایمانی، حسین، «ریشه‌های تحولات جهان عرب؛ راهبردهای جمهوری اسلامی»، نشریه خبری تحلیلی و فرهنگی روابط عمومی، سال پنجم، شماره ۵۲، تیر ۱۳۹۰.
۳. برآهویی، نرجس‌خاتون، اصول‌گرایی اسلامی ایران و تأثیرات منطقه‌ای آن، پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۴. «تحولات کشور تونس و پیامدهای آن»، فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۵. «تونس و نهضت اسلامی»، هفته‌نامه بعثت، ۲۶ آذر ۱۳۷۳.
۶. حاجی، علی اصغر، «اتحادیه مغرب عربی»، مجله مطالعات آفریقا، سال اول، شماره ۲، زمستان ۷۳.
۷. حسینی، مختار، برآورد استراتژیک مصر، ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۱.
۸. حقی، محرم، «انقلاب اسلامی و کشورهای مسلمان: ظرفیت‌ها و آموزه‌ها(۱)»، دوهفته‌نامه پگاه حوزه، شماره ۳۰۳، ۷ خرداد ۱۳۹۰.
۹. «خاورمیانه جدید، ایران، رژیم صهیونیستی و تقابل با انقلاب‌های عربی»، بسته خبری: نشریه خبری تحلیلی و فرهنگی روابط عمومی، سال پنجم، شماره ۵۱، خرداد ۱۳۹۰.
۱۰. خامه‌یار، عباس، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اخوان المسلمین، پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

۱۱. خسروشاهی، سیده‌های (مصاحبه)، «انتفاضة مصر و تفاوت آن با انقلاب‌های مخملی»، ماهنامه معارف، شماره ۸۳، اسفند ۱۳۸۹.
۱۲. خوش‌نژاد، ابوالفضل، «تأثیر و تأثر ایران و مصر»، ماهنامه معارف، شماره ۸۳، اسفند ۱۳۸۹.
۱۳. دلاورپور اقدم، مصطفی، «ایران و تحولات منطقه: طبقات خیزش و تبعات امنیتی»، دوهفته‌نامه پگاه حوزه، شماره ۳۰۶، ۱۸ تیر ۱۳۹۰.
۱۴. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و هاشمی، سیدمحمدحسین، «اهمیت روابط فرهنگی ایران و مصر در عصر گفت‌وگوی تمدن‌ها»، مجله مطالعات آفریقا، ویژه ایران و مصر، سال پنجم، شماره دوم.
۱۵. راشد الغنوشی، «حکومت اسلامی تونس»، بولتن سیاسی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹.
۱۶. صدرالحسینی، سیدرضا، «بیداری اسلامی؛ تحولات منطقه و خاورمیانه اسلامی»، فصل‌نامه مطالعات سیاسی، سال دهم، شماره ۳۹، بهار ۱۳۹۰.
۱۷. فراتی، عبدالوهاب، رهیافتی بر علم سیاست و جنبش‌های اسلامی معاصر، شهریار، قم، ۱۳۷۸.
۱۸. قادری، سیدنعمت‌الله، «مشروح میزگرد مشترک ایران و تونس»، مجله مطالعات آفریقا، شماره ۴، پاییز و زمستان ۸۰.
۱۹. کدیور، جمیله، انتفاضة حماسه مقاومت فلسطین، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۲۰. ماه‌پیشانیان، مهسا، «عربستان؛ بیداری اسلامی و دیکتاتوری عربی»، دوهفته‌نامه پگاه حوزه، شماره ۳۰۵، ۴ تیر ۱۳۹۰.
۲۱. مجاهدیان، مصطفی، «دومینوی سقوط فراعنه»، ماهنامه معارف، شماره ۸۳، اسفند ۱۳۸۹.
۲۲. محمد، ابراهیم و دیگران، اخوان المسلمین مصر، ترجمه: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران، ۱۳۸۴.
۲۳. محمدی، هادی، «نشانه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی»، فصل‌نامه مطالعات سیاسی، سال دهم، شماره ۳۹، بهار ۱۳۹۰.
۲۴. مرتضایی، علی‌اکبر، امام خمینی (ع) در حریق دیگران، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۲۵. منتظمی، علی، پی‌آوردهای انقلاب اسلامی ایران در مصر، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۲۶. موسوی، سیدجواد، علل تیرگی روابط ایران و مصر بعد از انقلاب اسلامی ایران، پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

۲۷. نوروزی، رسول، «جنبش‌های همسو: بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی ایران، ترکیه و تحولات اخیر منطقه‌ای»، دوهفته‌نامه پگاه حوزه، شماره ۳۰۱، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰.
۲۸. هاشمی‌نسب، سعید، «گزارشی از روند تحولات مصر»، فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.

## منابع

